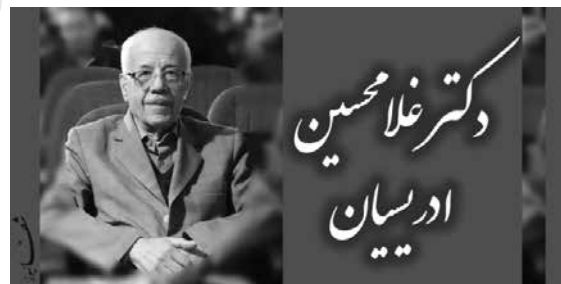


## دکتر غلامحسین ادریسیان

در این شماره از ماهنامه نگاهی بر زندگی دکتر غلامحسین ادریسیان انداختیم. این نوشته از زبان این استاد فرهیخته است که در دی ماه سال ۸۱ به تحریر درآمده است. برای آگاهی بیشتر از زندگی و فعالیت‌ها و خدمات ارزنده استاد ادریسیان، در ادامه، این مطلب خواندنی پیشکش خوانندگان گرامی می‌شود.



دانیال و از آنجا به ملایر بردند. تعداد شرکت کنندگان در این دوره حدود ۲۰ نفر بودند. با وجود اینکه محل سکونت، در شوش یک کاروانسرای مخروبه بود و مگس و پشه و کک مرتب مزاحم بود و آب مصرفی اکیپ را با مشک از جای دیگر می‌آوردند. به علت داشتن سرپرستان مدیر و مدبر و همکاران علاقمند به کار صحرایی به همه خوش می‌گذشت. معمولاً در گروه‌های دو یا سه نفره صبح زود وسایل کار که لوازم تهیه نمونه خون جهت آزمایش از نظر مالاریا و تعدادی قرص‌های ضد مالاریا، مسکن، ویتامینی و ضد اسهال بودند یک ساک برزنتی با خود بر می‌داشتم و به دهاتی که قبلاً مشخص شده بود می‌رفتم. از افرادی که مشکوک به مالاریا بودند نمونه از انگشت آنان روی تیغه شیشه‌ای (لام) تهیه می‌کردیم و به افرادی که بیمار بودند داروی مناسب می‌دادم. پس از هر جهت به مرکز اکیپ نمونه‌های خون مورد آزمایش قرار می‌گرفت و اگر انگل مالاریا دیده می‌شد بیماران مالاریایی را درمان می‌کردیم. از اینکه می‌توانستیم ضمن کارآموزی به مردم محروم و دورافتاده کمک‌های اولیه و ناچیز خود را ارائه کنیم خوشحال بودیم.

این کارآموزی صحرایی برای اینجانب خیلی آموزنده بود و با گزارشی که از عملیات صحرایی خود

فرهنگ شهرستان سنندج دادم و قبل از دریافت حکم، مشغول تدریس در یکی از کلاس‌های ابتدایی شدم ولی پس از دو ماه، نامه‌ای رسید که نوشته شده بود در تهران با استخدام شما موافقت نشده است.

سال بعد در آزمون ورودی دانشگاه تهران شرکت کردم و در دانشکده داروسازی پذیرفته شدم. در دوره تحصیل در دانشگاه با تدریس خصوصی، کار در آزمایشگاه بیمارستان شهرداری تهران و همچنین دریافت کمک مختصری از برادر کوچک‌ترم که معلم شده بود امرار معاش می‌کردم. در سال ۱۳۳۴ زمانی که دانشجوی داروسازی بودم، سازمان همکاری بهداشت برای پیشگیری و مبارزه با آبله گروه‌های سیار آبله کوبی که اکثراً اعضای آن دانشجویان پزشکی بودند جهت واکسیناسیون در تهران و شهرهای اطراف مانند قم راه انداخته بود. من هم در این برنامه شرکت کردم و از چنین کار بهداشتی و دسته‌جمعی پس از دریافت دکترای داروسازی در ششمین دوره عالی مالاریولوژی که در انستیتو پارازیتولوژی و مالاریولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران (دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی فعلی) تشکیل شد شرکت کردم. پس از گذراندن دروس نظری و عملی آزمایشگاهی در تهران، جهت آموزش عملیات صحرایی ما را به شوش

اینجانب غلامحسین ادریسیان فرزند ابوالمحمد اول شهریور ماه ۱۳۱۰ در سنندج به دنیا آمدم. پدرم که یکی از خیاطان بنام سنندج بود در سن ۵۴ سالگی بدرود حیات گفت. مادرم خانه دار بود. والدینم سعی می‌کردند با زحمت امکانات تحصیل اینجانب و دو برادر و خواهرم را فراهم کنند. تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان هدایت سنندج گذراندم. معلم کلاس اول ابتدایی، پیرمردی بود بنام آقای شهابی که با خط خوش خود نوشته بود:

خشت اول چون نهاد معمار کج

تا به آخر می‌رود دیوار کج

و آنرا روی دیوار کلاس نصب کرده بود.

دوره تحصیلات متوسطه را در دبیرستان شاهپور سنندج به پایان رساندم. تعطیلات تابستان را گاهی در مغازه خیاطی پدرم کار می‌کردم و در سال‌های آخر دبیرستان به تدریس خصوصی پرداختم.

سالی که موفق به دریافت دیپلم متوسطه در رشته طبیعی شدم پدرم فوت کرد. با این وضع در آن سال موفق به ادامه تحصیل در دانشگاه نشدم. درخواست استخدام به اداره

ارائه کردم، مسوولین انستیتو مرا برای ادامه کار تحقیقاتی و بهداشتی واجد شرایط دانستند و با استخدام اینجانب در انستیتو موافقت کردند.

شاید علت علاقه ام به امور بهداشتی علاوه بر گذراندن دوره عالی مالاریولوژی و عملیات صحرائی، خاطرات نسبتاً تلخ زندگی از وضع بررسی محل سکونت خود در زمان کودکی بوده باشد.

در آن زمان در سندج بیماری های مسری و عفونی نظیر آبله، حصبه، سل، تراخم و مالاریا کم و بیش شایع بود. طبق تعریف پدرم قبل از اینکه من به دنیا بیایم، دو خواهرم در اثر آبله مرده بودند. برادر بزرگ ترم در اثر حصبه فوت کرد. یک برادر دیگر که دو سه سال از من کوچک تر بود ظاهراً به علت ابتلا به سرخک از دنیا رفت. به این ترتیب در یک خانواده از ۸ فرزند نصف آنان قبل از اینکه به سن جوانی برسند فوت کردند.

زمانی که در دیستان بودم، مالاریا در منطقه ما شایع بود. من هم دو سه سال متوالی تابستان و اوایل پاییز به مالاریا مبتلا بودم. در آن زمان از قرص کینین و یا کپسول آن برای درمان و گاهی پیشگیری استفاده می شد. از آمپول کینین هم که داخل عضلانی تزریق می شد و دردناک بود در موارد مزمن و طولانی استفاده می کردند. در مورد اینجانب این داروها شاید به علت درمان ناقص کمتر موثر واقع می شد. تراخم و سایر عفونت های چشمی که در بیم بچه ها نیز شایع بود. پزشکان تجربی و گاهی بعضی از پیر زن ها با ریختن داروهای رنگی آبی و قرمز در چشم بچه ها به درمان چشم درد اقدام می کردند.

وضع بهداشتی آن زمان با زمان حال که در اکثر روستاها و بخش ها خانه های بهداشت و مراکز بهداشتی

- درمانی تحت پوشش شبکه های بهداشت و درمان و در شهرستان ها وجود دارد قابل مقایسه نیست.

### سوابق علمی و کاری

دکتری داروسازی در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، دستیار تحقیقاتی انستیتو پارازیتولوژی و مالاریولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران از ۱۳۳۶، استادیاری در گروه انگل شناسی و قارچ شناسی پزشکی دانشگاه تهران در ۱۳۴۳، تخصص علوم آزمایشگاهی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۴، ماستر (MSC) انگل شناسی پزشکی در دانشکده بهداشت و پزشکی در سال ۱۳۴۸، دانشیار در ۱۳۴۸ در گروه انگل شناسی دانشگاه لندن و قارچ شناسی پزشکی دانشگاه تهران، استادی در ۱۳۵۵ در گروه انگل شناسی و قارچ شناسی پزشکی دانشگاه تهران

### شرکت در دوره های کوتاه مدت

دوره عالی مالاریولوژی در انستیتو پارازیتولوژی و مالاریولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶، دوره عالی ریشه کنی مالاریا در مرکز آموزش بین المللی ریشه کنی مالاریا در کشور جامائیکا در سال ۱۳۴۲، دوره کشت انگل مالاریا در انستیتو گورگال مموریال در کشور پاناما در سال ۱۳۵۸، بازدید و کارآموزی در آزمایشگاه های انگل شناسی کشورهای در سال های ۱۳۴۸، ۱۳۵۱، ۱۳۵۴ و ۱۳۷۱.

### محل خدمت

از اول شهریور ماه ۱۳۳۶ خدمت خود را با سمت دستیار تحقیقاتی در انستیتو پارازیتولوژی و مالاریولوژی در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شروع کردم و به ترتیب در سال های ۱۳۴۳،

۱۳۴۸ و ۱۳۵۵ به مراتب استادیاری، دانشیاری و استادی در گروه انگل شناسی و قارچ شناسی پزشکی دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تهران ارتقاء یافته ام. از سال ۱۳۴۸ سال ۱۳۸۰ سرپرستی واحد تک یاخته شناسی گروه انگل شناسی و قارچ شناسی پزشکی را به عهده داشتم و در اول شهریور ماه ۱۳۸۰ بافتخار بازنشستگی نائل شدم.

### فعالیت های آموزشی و پژوهشی

از اول شهریور ماه ۱۳۳۶ که به عنوان دستیار تحقیقاتی در انستیتو پارازیتولوژی و مالاریولوژی مشغول کار شدم. سال اول بیشتر درگیر برنامه های آموزشی و سرپرستی و تدریس در کلاس میکروسکوپی مالاریا بودم. در آن زمان برنامه ریشه کنی مالاریا در ایران تازه شروع شده بود و تعداد زیادی تکنسین آزمایشگاه برای تشخیص آزمایشگاهی مالاریا مورد نیاز بود. به همین دلیل سالی دوبار دوره میکروسکوپی مالاریا به مدت سه ماه در انستیتو تشکیل می شد.

در مناطقی که آزمایشگاه مالاریا وجود نداشت، نمونه های خون تهیه شده از بیماران جهت آزمایش به آزمایشگاه مالاریای انستیتو تهران ارسال می شد و توسط دانشجویان و کارکنان فنی آموزش دیده مورد آزمایش قرار می گرفت. نظارت در آزمایش این نمونه ها و ارسال گزارش بیشتر به عهده اینجانب بود. سال های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۷ به خدمت نظام رفتم و با توافق بهداری ارتش و انستیتو، قبل از ظهر خدمت نظام را در بهداری پادگان آموزشی سلطنت آباد انجام می دادم و بعد از ظهر در انستیتو به کار

آزمایشگاهی مالاریا مشغول بودم. بعد از خدمت نظام در سال ۱۳۳۹ همراه یک گروه مطالعاتی از طرف انستیتو جهت بررسی وضع مالاریا به بیرجند و جیرفت رفتم و در سال ۱۳۴۰ مدت شش ماه به عنوان مسوول موقت آزمایشگاه و اپیدمیولوژیست مالاریا به مدت ۶ ماه به مازندران اعزام شدم. با وجود شرایط سخت آن زمان در مورد راه های ارتباطی و دوستانه، وضع سکونت و تغذیه در چنین مأموریت های مطالعاتی و اجرائی چون هدف خدمت به مردم در مناطق مالاریا خیز در روستاهای دور افتاده و محروم بود و اغلب موارد مردم روستا به گرمی و خلوص نیت از اعضای گروه های بهداشتی استقبال می کردند احساس خستگی نمی کردم. در یکی از مأموریت ها در شهر جیرفت با یکی از مأمورین ریشه کنی مالاریا برای پیدا کردن و درمان چند بیمار مالاریایی راه افتادیم. پس از ساعت ها پیاده روی در هوای گرم موجود در مورد محل سکونت بیماران به یک مرد روستائی برخوردیم که اظهار داشت من این بیماران را می شناسم ولی اول باید زن من را که بیمار است ببینید. زن ایشان در یک کلبه با تب و سرفه شدید بستری بود. ظاهراً به نظر می رسید که مبتلا به ذات الریه شده باشد. خوشبختانه در ساک خود آمپول پنی سیلین و وسائل تزریق همراه داشتم. پس از جوشاندن و استریل کردن سرنگ یک پنی سیلین تزریق کردم و چند قرص تب بر و مسکن هم به او دادم. پس از اتمام کار شوهر ایشان اظهار داشت بیمارانی را که شما به دنبال آنان هستید نمی شناسم برای اینکه همسرم را ببینید گفتم آنان را می شناسم. از کلبه این روستائی که خارج شدیم به یک مرد دیگری برخورد کردیم که از ما قرص مالاریا

می خواست. به او گفتیم اگر بیمار مالاریایی دارید ما را پیش او ببرید. گفت شما قرص را به من بدهید خودم بیماران را درمان می کنم چون با درخواست او موافقت نشد، گفت شما پول گرفتید و به آن زن آمپول زدید. به خانه کدخدای ده رفتم تا تعدادی از افراد خانواده پرجمعیت او را که مبتلا به مالاریا بودند درمان کنیم. خوراک اول داروهای ضد مالاریا را به بیماران خوراندیم و بقیه داروها را برای هر یک از بیماران در یک بسته کاغذی پیچیده و با گذاشتن علامت و توضیح، بسته های دارو را به کدخدا تحویل دادیم که در روزهای بعد به به بیماران بدهند. کدخدا بسته های دارو را بلافاصله باز کرد و همه را در یک صندوق کوچک تخته ای ریخت و گفت خودم آن ها را به بچه ها می دهم. بالاخره آدرس سایر بیماران مالاریایی را از کدخدا گرفتم. وقتی به چادر محل سکونت بچه مالاریائی مورد نظر نزدیک شدیم از در با فحش و ناسزای مادر بچه ها که به مأمور مالاریا می گفت بچه های مرا سوزن زدید مردند مواجه شدم. در همین موقع بچه ها بیرون دویدند و فرار کردند. بیست سال پس از این مأموریت در یک سفر مطالعاتی دیگر گذرم به جیرفت و بعضی از روستاهای آن منطقه افتاد. وضع اجتماعی - اقتصادی مردم عوض شده بود. باغ های مرکبات و مزارع کشاورزی فعال جلب توجه می کرد وضع ظاهری مردم و محل سکونت آنان و وضع بهداشتی منطقه بهبود یافته بود. موارد مالاریا خیلی کم گزارش می شد. مشاهدات و تجربیاتی که در مطالعات صحرائی اولیه کسب کردم، انگیزه خوبی برای ادامه فعالیت های آموزشی و پژوهشی در زمینه مالاریا و

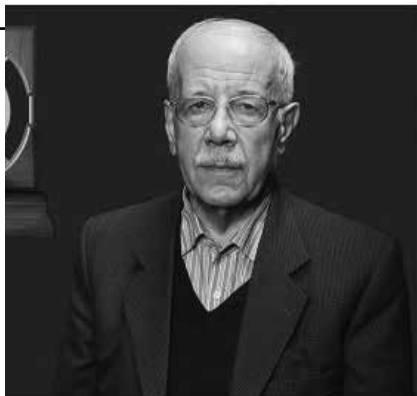
سایر عفونت های انگلی تک یاخته ای شایع در ایران بود که خلاصه نتایج آنها به شرح زیر ارائه می شود:

**فعالیت های آموزشی:** آموزش دانشجویان و کارکنان فنی پزشکی و بهداشتی در سطوح و مقاطع مختلف از کاردان علوم آزمایشگاهی تا دوره دکتری (PHD) و تخصص در رشته انگل شناسی پزشکی و رشته های وابسته در دانشکده های علوم پزشکی (پزشکی، داروسازی و بهداشت) در زمینه انگل شناسی و بیماری های انگلی تک یاخته ای به ویژه مالاریا، سالک و کالا آزار. در برنامه های آموزشی و تدریس در دوره های بین المللی گواهی عالی بهداشت عمومی (MPH) و دوره عالی مالاریولوژی که در دانشکده بهداشت برگزار شده اند شرکت داشته ام. در تدریس درس نظری و عملی و دوره های بازآموزی از اطلاعات و تجربیات کسب شده در پژوهش های آزمایشگاهی و مطالعات صحرائی خود استفاده کرده ام.

حدود ۱۵ نشریه آموزشی در زمینه بیماری های انگلی تک یاخته ای در روش های تشخیص آزمایشگاهی آنها از جمله یک کتاب راهنمای میکروسکوپی مالاریا (با کمک و راهنمایی استاد ارجمند جناب آقای دکتر احمد حاجیان) جهت استفاده دانشجویان و کارکنان فنی تهیه و تدوین شده است.

راهنمایی ۲۸ پایان نامه کارشناسی ارشد، دکتری (PHD) و تخصص در رشته انگل شناسی و مشاوره بیش از ۷۰ پایان نامه در رشته و مقطع فوق را به عهده داشته ام.

**فعالیت ای پژوهشی:** در اجرای طرح های تحقیقاتی متعددی در زمینه بیماری های مالاریا، سالک، کالا آزار و توکسوپلاسموز به عنوان مسوول طرح و با همکاری شرکت داشته ام.



## کسب افتخارات

✓ استاد ممتاز دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی تهران در سال ۱۳۳۱

✓ محقق نمونه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۷۴

✓ یکی از پیشکسوتان علوم پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در سال ۱۳۷۸

✓ یکی از پزشکان نمونه سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹

مشوق اصلی اینجانب در آغاز فعالیت آموزشی و پژوهشی اساتید بزرگوار و پیشکسوت و بنیان گزاران دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی به ویژه جناب دکتر شمس الدین مفیدی، جناب آقای دکتر احمد حاجیان، مرحوم دکتر محمد علی فقیه و در طول خدمت همکاران و دانشجویان صمیمی و فعال در انجام عملیات آزمایشگاهی و صحرایی در زمینه بیماری های انگلی تک یاخته ای بوده اند. من هم به سهم خود در تمام طول خدمت به طور تمام وقت وظایف خود را صادقانه تا آنجا که مقرر بوده است انجام داده ام و در این راه همسر و فرزند عزیزم و همچنین برادران و خواهر مهربانم در تمام مواردی که درمأموریت های پژوهشی و آموزشی بوده ام کمبود حضور مرا درانجام وظایف خانوادگی جبران نموده اند.

سرولوژی مالاریا در سال ۱۳۶۰ (اولین بار در ایران)

● راه اندازی یک روش ساده برای تهیه نمونه از جوندگان جهت تشخیص پارازیتولوژی لیشمانیوز جلدی ۱۳۶۱ (در ایران برای اولین بار)

● استفاده از روش الیزا در تعیین تمایل خونخواری پشه ها از انسان و حیوانات ۱۳۵۹ (در ایران برای اولین بار)

● تعیین میزان حساسیت پلاسمودیم فالسیپارم به داروهای ضد مالاریا ۱۳۶۲ (اولین بار در منطقه)

● راه اندازی و استفاده از تست اگلوتیناسیون مستقیم (DAT) برای تشخیص و بررسی و اپیدمیولوژی لیشمانیوز احشایی ۱۳۶۷.

## عضویت در انجمن ها و سازمان های علمی ملی و بین المللی

✓ عضو کمیته علمی کشوری مالاریا در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

✓ عضو هیئت موسس و هیئت مدیره انجمن انگل شناسی ایران

✓ عضو وابسته گروه علوم پایه پزشکی فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران

✓ عضو دبیر محلی انجمن سلطنتی پزشکی گرمسیری و بهداشت انگلستان

✓ عضو پانل مشورتی کارشناسان مالاریای سازمان بهداشت جهانی

✓ عضو و دبیر هیئت ممتحنه و ارزش یابی رشته انگل شناسی پزشکی شوری آموزش علوم پایه پزشکی، بهداشت و تخصصی

تعدادی از طرح های اجرا شده با همکاری و کمک مالی سازمان بهداشت جهانی انجام گرفته است. هدف اصلی در اکثر طرح های انجام شده راه اندازی و استفاده از تکنیک های آزمایشگاهی عملی و کاربرد آنها در تشخیص و بررسی اپیدمیولوژی بیماری های انگلی تک یاخته ای شایع در ایران به ویژه مالاریا و کالآزار و ارائه راه کارهای کنترل و درمان مناسب برای این بیماری ها بوده است.

نتایج مطالعات صحرایی و تحقیقات آزمایشگاهی در ۱۱ کنگره منطقه ای و بین المللی و بیش از ۲۰ کنگره و سمینار داخلی با ارائه مقاله به صورت کنفرانس معرفی شده است. تعداد مقالات منتشر شده در مجلات علمی بین المللی و داخلی و یا ارائه شده در مجامع علمی بین المللی ۵۷ مقاله و تعداد مقالات و نشریات به زبان فارسی ۲۰ عدد بوده است.

از کارهای تحقیقاتی که به کمک همکاران و دانشجویان در واحد تک یاخته شناسی دانشکده بهداشت انجام گرفته است و اغلب از نظر علمی و کاربردی مورد توجه بوده و استفاده مداوم در تشخیص و بررسی اپیدمیولوژی بیمارهای انگلی تک یاخته ای در ایران داشته است و بیشتر در تشخیص، تعیین میزان شیوع و کنترل و درمان مالاریا، کالآزار کمک کننده بوده اند به موارد زیر می توان اشاره کرد:

● راه اندازی و استفاده از تست های سرولوژی ایمونوفلورسانس و الیزا ELISA برای تشخیص و بررسی اپیدمیولوژی مالاریا و لیشمانیوز به ترتیب در سال های ۱۳۴۹ و ۱۳۵۷ (اولین بار در ایران)

● کشت مداوم پلاسمودیم فالسیپارم و تهیه آنتی ژن مالاریا جهت بررسی